

شورای همکاری تشکل ها و فعالین کارگری؛ کدام رویکرد، کدام روش!!!

مریم محسنی

دوشنبه هجدهم آذر ۱۳۸۷

حدود دو سال از اولین نشست نمایندگان گروه های کارگری به دعوت اتحاد کمیته های کارگری می گذرد، جلسه ای که در آن نمایندگان این تشکلها توافق کردند گام هایی مشترک و عملی بردارند و براین اساس متن کوتاهی نیز امضا کردند. "کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری"، "کمیته ی پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری"، "انجمن فرهنگی، حمایتی کارگران" (آوای کار)، "جمعی از فعالین کارگری"، "اتحاد کمیته های کارگری" و هم چنین "گروهی از دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب دانشگاه های تهران" جمله جریان هایی بودند که پای این بیانیه ی مشترک را امضا کردند. طی این مدت آوای کار و گروه دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب از اتحاد عمل مذکور کناره گیری کردند. و نیز اتحاد کمیته های کارگری به کمیته ی هماهنگی پیوست. گروه های تشکیل دهنده ی شورای همکاری در حال حاضر عبارتند از: کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، کمیته ی پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری، شورای زنان، کمیته ی دفاع از محمود صالحی و جمعی از فعالین کارگری. کمیته ی دفاع از محمود صالحی با آزادی محمود صالحی از زندان فعالیت خود را کم رنگ کرده و با لغو حکم تعلیق وی احتمالاً به کار این کمیته پایان داده خواهد شد.

شورای همکاری اولین پروژه ی عملی خود را در اول ماه مه سال ۱۳۸۶ در استادیوم شیرودی به اجرا گذاشت. در این مراسم شورای همکاری به همراه سندیکای شرکت واحد با ایجاد صف مستقل در این مراسم ظاهر شده و با شعارهای: تشکل مستقل حق مسلم ماست، زندگی شایسته حق مسلم ماست، محمود صالحی آزاد باید گردد، کارگر زندانی آزاد باید گردد و... توجه کارگران حاضر در استادیوم را به شعارهای مذکور جلب کردند.

قبل از این پروژه، نمایندگان تشکل های مذکور فقط دو اطلاعیه ی مشترک در مورد دستمزد و کمپین بین المللی در حمایت از کارگران ایران در ۱۵ فوریه ۲۰۰۶ (۲۶ بهمن ۸۵) صادر کرده بودند.

فراخوان کمیته دفاع از محمود صالحی به منظور اعتصاب غذای ۲۷ تیر در صدمین روز دستگیری وی، اولین گام مشترک عملی بود که برخی از کمیته های موجود پس از برگزاری مراسم روز کارگر ۸۶ برداشتند. از پنج تشکل موجود، دو تشکل در این شیوه ی عمل اعتراضی شرکت نکرده ولی سه گروه از این اعتصاب غذا حمایت کردند.

۸ اگوست ۲۰۰۷ (۱۸ مرداد سال ۸۶) در اعتراض به دستگیری منصور اسانلو و محمود صالحی فراخوانی بین المللی انتشار داده شد، که تشکل های مذکور در این آکسیون اعتراضی شرکت کردند.

نمایندگان گروه های فعال در شورای همکاری، ابتدا بر سر ایجاد یک سایت مشترک و انتشار بولتن به توافق رسیدند، اما پس از انتشار دو شماره از بولتن، این بولتن از ادامه ی راه باز ماند، زیرا هماهنگی و اشتراکات ضروری برای انتشار چنین ارگانی وجود نداشت. از آن زمان تاکنون گروه های فعال در شورای همکاری به انتشار اطلاعیه های مشترک بسنده کرده و آخرین پروژه ی عملی این مجموعه برگزاری مراسم همبستگی با کارگران هفت تپه به مناسبت

سالگرد اعتصاب و کشتار کارگران کوره پزخانه های تهران در سال ۱۳۳۸ بود.

اکنون زمان آن رسیده است که تجربه ی اتحاد عمل دوساله در شورای همکاری رو به جنبش ارائه گردد. چه، تجربیات این اتحاد، قبل از هر چیز بررسی مسائلی متعلق به همه ی جنبش است. اما در جمع بندی این تجربه نمی شود به مقوله ی اتحاد عمل میان گروه های کارگری پرداخت، بدون این که به مفهوم این اتحاد عمل به طور کلی پرداخته شود. همچنین این جمع بندی نمی تواند جدا از وضعیت عمومی جنبش کارگری باشد. مثلاً چگونه می توان به عدم شفافیت مواضع تشکل های موجود به عنوان مانعی، در پیشبرد امر اتحاد پرداخت، بدون این که به پارامتر سرکوب به عنوان عامل اصلی این عدم شفافیت پرداخته شود. بدون در نظر گرفتن فضای میلیتاریزه ی شده ی امروز در سطح جامعه، آیا میتوان صرفاً نحوه ی عملکرد ما را، علت اصلی در عدم پیش بردن مسائل جنبش در نظر گرفت؟ ما که تجربه ی تلخ جدا شدن ها و انشعاب های سال های گذشته را داشتیم، همه ی هم مان این بود، مکانیسمی تعریف کنیم که ضمن بالاترین میزان همکاری، انشعاب نداشته باشیم و اگر نمی توانیم همبستگی در جنبش کارگری را تقویت کنیم، حداقل به پراکندگی موجود دامن نزنیم و این جمع بندی از نقد حرکت های چند سال گذشته و تجربه ی دوری و نزدیکی های مان بیرون آمده بود، که هر بار در اتحاد عده و گروه هایی به هم نزدیک شده، ولی پس از مدتی آن اتحاد در هم شکسته و در بهترین حالت گروهی با کناره گیری از یک ائتلاف پس از، از دست دادن انرژی های فراوان به نقطه ی اول بازگشته بود. از این رو همه ی نمایندگان از ابتدا با وقوف به چنین امری، بیشترین تلاش خود را جهت حفظ این اتحاد به کار بردند. آن چه از قبل نمی توانستیم متصور شویم این بود که چه سطح از همکاری میتواند میان ما صورت گیرد و بدیهی است این مقوله به طور کلی به سطح عمومی جنبش و میزان تمایل گروه های مختلف به همکاری، بستگی دارد. و به طور مسلم پیشاپیش نمی توانستیم در مورد میزان هماهنگی و همکاری حکم قطعی بدهیم. جهت حرکت برای مان مشخص بود و آن این که قرار است در مسیری حرکت کنیم که رادیکالیسم و رویکرد ضد سرمایه داری از مشخصات اصلی آن است و آن چه برای مان اهمیت داشت، ارتقاء جنبش کارگری در کلیت آن بود. ما میخواستیم با پیش گرفتن سیاست اتحاد عملی گام کوچکی جهت رفع پراکندگی و برداشتن موانع موجود از سر راه پیشروی جنبش کارگری برداریم، راه حلی که هم جنبش کارگری را ارتقاء دهد و هم شیوه ای برای جلوگیری از انشعابات در آینده باشد.

از همان ابتدا دو درک در این رابطه میان ما وجود داشت، برخی شورای همکاری را ساختاری به مثابه ی تنه ی واحدی که همه ی اجزاء آن در هم پیوسته و تنیده شده است می دیدند و از ادغام این تشکل ها در یکدیگر دفاع می کردند. برخی از استقلال این تشکل ها دفاع کرده و در عین حال تقویت همکاری میان این گروه ها را مد نظر داشتند. در نهایت اتحاد با به رسمیت شناختن استقلال تشکل ها پیش رفت. به دلیل درستی این نحوه ی همکاری بود که وقتی نتوانستیم بر سر سایت و انتشار بولتن به توافق برسیم، این اتحاد در هم نشکسته و منجر به فروپاشی و جدایی نشد، بلکه سطح همکاری را به پله ای پایین تر تقلیل داده و به دادن برخی اطلاعاتی های مشترک اکتفا کردیم.

این حرکت در مسیر استقلال نسبی گروه ها، البته حاصل جمع بندی نزدیکی و دوری ها طی سالهای گذشته در جنبش بود. اما درک مشترکی از مقوله ی اتحاد عمل میان ما وجود نداشت. چنان چه برخی از ما اتحاد را گسترده تر دیده و برخی به عنوان مقوله ای محدود تر به آن می نگریستند. برخی از دوستان از همان ابتدا ظرفیت همکاری میان مجموعه

ما را محدودتر ارزیابی کرده و نسبت به داشتن سایت و بولتن، چندان خوشبین نبودند. ولی بعضی از ما از جمله من، به این حد از همکاری خوشبین بوده و از داشتن سایت و بولتن حمایت می کردیم، گذشت زمان درستی نظر این دوستان را اثبات کرد. به نظر من اشکالات به وجود آمده در مسیر همکاری دو ساله ما را میتوان حول سه محور دسته بندی کرد: ۱- نبود درک مشترک از مقوله ی اتحاد عمل ۲- به رسمیت نشناختن جریان های دیگر در جنبش کارگری توسط بعضی از گروه های درون شورای همکاری ۳- تضاد دیدگاهی میان ما نسبت به مقوله سازمان یابی طبقه ی کارگر.

۱- نداشتن درک مشترک از مقوله ی اتحاد عمل

در میان ما درک مشترکی از مقوله ی اتحاد عمل وجود نداشت، برخی از جریان های درون شورای همکاری، این اتحاد عمل را ابزاری در خدمت اهداف سیاسی خود می دیدند. گاهی اوقات بحث ها تا بدان جا پیش می رفت که برخی از نمایندگان خواهان عمل بی واسطه ی سیاسی می شدند.

آن چه نزد برخی از گرایشات جنبش کارگری، در دفاع از موضع گیری سیاسی طبقه ی کارگر، مستفاد می شود، نه سیاسی شدن طبقه ی کارگر، بلکه کوبیدن مهر گرایش سیاسی خاص به این یا آن بخش جنبش کارگری است. این نگرش، با شدت گرفتن التهابات سیاسی، وحدت طبقاتی کارگران را تحت الشعاع منافع گروهی خود قرار داده و کارگران را در مسلخ منافع سیاسی خویش قربانی خواهد کرد. این نوع نگاه به کلیت طبقه ی کارگر به عنوان "طبقه" لطمه می زند و این نوع نگرش نتیجه ی دیگری جز تکه تکه کردن طبقه ی کارگر در بر نخواهد داشت. ما خواهان سیاست زدایی از طبقه ی کارگر نیستیم و مسلم است که این طبقه طی حرکت در مسیر مبارزه ی طبقاتی خود، ناگزیر از موضع گیری و حرکات سیاسی است، بنابراین ما نه تنها خواهان عدم دخالت سیاسی طبقه ی کارگر در حیات سیاسی جامعه نیستیم، بلکه سیاسی شدن طبقه ی کارگر را تبلور شعور و آگاهی طبقاتی آن می دانیم و هیچ نیرویی که ریگی در کفش نداشته باشد نباید از سیاسی شدن طبقه ی کارگر بهراسد. همان گونه که احزاب بورژوایی فعالیت سیاسی می کنند. به طور مسلم این حق طبقه ی کارگر است که مانند سایر طبقات ارگان سیاسی داشته باشد، اما باید میان دفاع از تحزب طبقه ی کارگر با بهره برداری سیاسی از جنبش کارگری به نفع این یا آن جریان سیاسی تفاوت قائل شد.

جنبش کارگری وسیله ای برای پیشبرد برنامه ی این یا آن گروه سیاسی نیست، قبل از هر چیز ابزاری برای نفی سلطه طبقاتی است. باید به جای بهره برداری سیاسی از این جنبش به فکر ارتقای آن بود.

همانگونه که برخی از سندیکالیستها به بهانه دفاع از مطالبات اقتصادی کارگران، دیدگاه سازش طبقاتی را که ویژگی گرایش سیاسی خاص ایشان است، را تبلیغ میکنند، برخی از جریانها در طیف رادیکال جنبش کارگری نیز به بهانه دفاع از حزب طبقه کارگر، جنبش کارگری را به منزله ی ابزاری برای پیشبرد برنامه گروه سیاسی خویش می بینند.

ویژگی سیاست شورای همکاری باید گسترش اتحاد عمل کارگری باشد، نه اتحادی سیاسی. در حال حاضر بخشی از مبارزه ی کارگران گسترش اتحاد در میان هم طبقه ای های خویش است. سیاست شورای همکاری باید گسترش اتحاد عمل کارگری، به معنای تقویت اتحاد کارگران در مقابل سیاست های حاکم سرمایه داران باشد که با هدف به دست آوردن سود حداکثری خود، جلوگیری از اتحاد کارگران را دنبال می کند که این به طور مسلم از کانال نزدیکی و اتحاد هر چه بیشتر میان فعالان و پیشروان جنبش کارگری می گذرد.

بنابراین شورای همکاری اتحاد عملی است کارگری و نه ائتلاف یا اتحادی سیاسی.

۲- به رسمیت نشناختن جریانهای دیگر در جنبش کارگری توسط برخی از گروه های درون شورای همکاری

غلبه بر پراکندگی در جنبش کارگری دلیل وجودی تشکیل شورای همکاری می باشد، بنابراین شورای همکاری با هدف همبستگی میان بخش های مختلف جنبش کارگری به پای اتحاد عمل میان کمیته های کارگری موجود رفته است، اما گاه در جلسات شورا با این بحث ها مواجه می شدیم که، ما تنها اتحاد عمل کارگری هستیم و بنابراین هر جریانی که به اتحاد در جنبش کارگری اعتقاد دارد باید به این اتحاد عمل بپیوندد. هدف تشکیل شورای همکاری، ارتقاء جنبش کارگری از طریق اتحاد میان فعالان کارگری و نزدیکی میان جریانات کارگری می باشد، بنابراین چگونه ممکن است شورای همکاری که اتحاد میان بخش های مختلف جنبش کارگری را دنبال می کند، جریانی را در جنبش کارگری مقابل خود قرار داده، با این تفسیر که "مقوله ی اتحاد" از دو حالت خارج نیست؛ یا کسانی به وحدت در جنبش کارگری اعتقاد دارند باید به ما بپیوندند و یا این جریان ها به وحدت در جنبش کارگری اعتقادی ندارند. چنین بحثی جز جلوه هایی از سکتاریسم نیست. ما باید در پی ایجاد ظرفی باشیم که همه ی اجزاء و عناصر جنبش را در بر گیرد و همه ی پیشروان جنبش کارگری در این ظرف جا داشته باشند. ما می توانیم هم گام با هم حرکت کنیم بدون این که لازم باشد اصول و پرنسیب خود را زیر پا بگذاریم و تعلقات سیاسی خویش را نادیده بگیریم. ما می توانیم ضمن حفظ گرایش سیاسی خود، با تقویت انسجام و همبستگی میان خویش گام های مهمی جهت رفع پراکندگی در جنبش کارگری برداریم و اگر پراکندگی را یکی از مهم ترین معضل های سال های گذشته ی جنبش کارگری بدانیم که چنین است، آن گاه اهمیت اتحاد را بیشتر در می یابیم. اما اتحاد ما "اتحاد در کلمه" نیست، بلکه وحدت در عمل ضمن حمل تمایزات فکری و عقیدتی است و تمایزات فکری نه تنها منفی نیست، بلکه در چالش میان دیدگاه های مختلف است که ما رشد می کنیم. تمایزات فکری و عقیدتی می تواند سرچشمه ی گفت و گو بین ما بوده و این آن چیزی است که می تواند جنبش را به جلو برد. بنابراین اتحاد ما، اتحاد عمل میان جریان هایی است که رادیکال عمل می کنند و نه میان جریان هایی که "اعتقادات رادیکالی دارند" یعنی اتحاد میان بخش های مختلف جنبش کارگری که در مجموع رادیکال حرکت می کنند، اما این "رادیکال"، واژه ای نیست که مفهوم مطلق داشته باشد و هر فرد یا گروهی خود را رادیکال تعریف کرده و بقیه را رفرمیست، و... بداند. این نوع نگاه نه تنها طیف رادیکال را تقویت نمی کند، بلکه با دسته بندی های کاذب مانع تقویت همبستگی در جنبش کارگری می شود. بدین لحاظ شورای همکاری جمع افراد و یا گروه هایی نیست که اعتقادات رادیکالی دارند و باید حصارهای اطراف خود بکشند تا با دیگران "غیر رادیکال" آلوده نشوند. البته حساب آنها که تمام تلاش خود را مصروف آن می دارند که با به کارگیری برچسب های مذکور به تخریب این یا آن کمیته و این یا آن جریان بپردازند جداست. بی تردید دیر یا زود فعالان کارگری در مقابل این گونه روشها که نتیجه ای جز انشقاق میان صفوف ما ندارد، خواهند ایستاد و چنین روشهای تفرقه افکنانه ای را از جنبش کارگری خواهند زدود.

ما باید جریانهای مختلف کارگری را به رسمیت بشناسیم، نه خود را در میان آن ها مستحیل می کنیم و نه در مقابل آن ها می ایستیم، بلکه هدف ما از نزدیکی به جریان های دیگر همکاری دموکراتیک به منظور پیشبرد امر سازمان یابی کارگران است، ما نباید جریان های دیگر را به عنوان مانعی در مقابل گسترش اتحاد عمل ببینیم. ما گرایشات متفاوتی هستیم که در کنار هم فعالیت میکنیم، در این رابطه گاه عامل تعلق خاطر سیاسی ما، به عنوان مانعی ذهنی در همکاری با

دیگران عمل میکند، در اینصورت برای لطمه زدن به منافع طبقاتی کارگران، نه تمایزات سیاسی، بلکه بر اشتراکات باید پای فشرده.

گرایش‌های متفاوت نظری و سیاسی نباید مانع اتحاد ما شود. این پیوند ارگانیک با طبقه ی کارگر است که وحدت را سرلوحه ی عمل قرار داده و تمایزات سیاسی را به حاشیه می راند. بیهوده نیست آن جا که فعالان کارگری پیوندی ارگانیک با طبقه ی کارگر دارند، تمایزات سیاسی نتوانسته است به انسجام و گام های عملی مشترک لطمه بزند. در واقع آگاهی طبقاتی کارگران مانع شدت یافتن اختلافات شده و روحیه ی همکاری به تمایز سیاسی چربیده است. هر جا که ارتباط فعالان کارگری با بدنه ی طبقه ی کارگر وسیع تر، عمیق تر و گسترده تر بوده، ما شاهد تقویت همبستگی میان فعالان کارگری بوده ایم. و هر قدر این ارتباط ضعیف تر و گسسته تر شده اختلافات شدت گرفته و اولویت اصلی فعالان، غلبه ی تعلق خاطر سیاسی و تشکیلاتی آنان نسبت به منافع طبقه ی کارگر و جنبش کارگری گشته است. امری که قبل از هر چیز به ضرر طبقه ی کارگر و دامن زدن به پراکندگی در جنبش کارگری است. ما باید با همگامی و اقدامات مشترک عملی بر این نوع انحرافات فرقه ای فائق آییم. غلبه و ترجیح منافع فرقه ای و گروهی، نتیجه ای جز دامن زدن به پراکندگی در جنبش کارگری ندارد. موضوعی که هر پیشرو صدیق پرولتاریا و آگاه به منافع طبقاتی کارگران نمی تواند نسبت به آن بی تفاوت بوده و به نوبه ی خود باید با این انحراف در جنبش که نتیجه ای جز پراکنده کردن کارگران ندارد، مقابله کند. ما باید تمایزات گرایش‌های سیاسی یکدیگر را به رسمیت شناخته، و ضمن بیشترین فاصله در عقیده و نظر، حداکثر گام های مشترک و عملی را با هم برداریم. امری که از ابتدا شورای همکاری با برگزاری مراسم اول ماه مه ۸۶ در جهت آن گامی عملی و ممکن را برداشت و پروژه ی اول ماه مه ۸۶ شروعی برای پیشبرد چنین اهدافی بود.

۳- تضاد دیدگاهی میان ما نسبت به مقوله ی سازمان یابی طبقه ی کارگر

مقوله ی سازمان یابی توده ای طبقه ی کارگر، بیشترین اختلاف و تشتت را در میان ما به وجود می آورد. گاه ساعت ها بحث می کردیم ولی به نتیجه نمی رسیدیم. در این مورد بین ما نه تمایز، بلکه تضاد دیدگاه وجود داشت. سازمان یابی طبقه ی کارگر اشکال مختلفی دارد: سندیکا، اتحادیه، شورا و... اما در میان برخی از ما حداقل توافق بر سر این مفاهیم وجود نداشت، از این رو این عرصه از فعالیت در شورای همکاری، عرصه ای است که نمی توان دیدگاه هایی را که حداقلی از اشتراکات میان آن ها وجود نداشته باشد، در آن جمع کرد. مثلاً چگونه ممکن است در مورد مسائل مبارزاتی کارگران درون یک کارخانه دو توصیه ی همزمان متضاد نمود. در یک مقاله گفت: نامه نوشتن به نهادهای بین المللی یک عمل ضد کارگری است. در حالی که در مقاله ای دیگر این نوشته شود که: مسائل تشکل یابی و مبارزاتی طبقه ی کارگر امر خود کارگران است و کارگران در مسیر مبارزاتی خود تصمیم می گیرند از کدام اهرم ها برای پیشبرد امر مبارزه استفاده کنند و هیچ کدام از مفاهیم برشمرده ی بالا را مطلق نکرده و انتخاب آزادانه ی آن را به عهده ی کارگران می داند. این اتفاقی بود که در شورای همکاری افتاد و در کتابچه ی تهیه ی شده ی شورای همکاری به مناسبت اول ماه مه ۸۷ یکی از نمایندگان در مقاله ی خود، درخواست کارگران از نهادهایی چون سازمان جهانی کار را یک عمل ضد کارگری تلقی کرده بود. بنابراین دو گروه که در مورد سازمان یابی توده ای طبقه ی کارگر پای عملی واحد می روند، باید حداقلی از اشتراکات را داشته باشند، نمی توان همزمان دو توصیه

ی متضاد را در یک کتابچه انتشار داده و آن را در میان کارگران پخش کرد. بنابراین همکاری دو گروه که در مورد سازمان یابی متضاد فکر می کنند و اصرار دارند به امر سازماندهی مبارزات کارگری مثلاً در یک واحد تولیدی مشخص بپردازند، ممکن نیست. از این رو اتحاد عمل در این مورد مشخص بستگی به حداقل اشتراکات دیدگاهی دارد و گروه هایی می توانند در مورد سازمان یابی توده ای پای اتحاد عمل بروند که از دو نخله ی متضاد نگرش به سازمان یابی توده ای برخوردار نباشند، مثلاً نگرشی که اکنون سطح سازماندهی سندیکایی و تشکیل سندیکا از جانب کارگران را راست و رفرمیستی می داند و از کارگران می خواهد به پای تشکیل سندیکا که نهادی است در چارچوب نظام سرمایه داری است نرود، نمی تواند با دیدگاهی که تشکیل این نوع تشکل ها را امر خود کارگران می داند، در یک محیط کارگری مشخص به امر سازماندهی بپردازد. از این رو جریان هایی که در این مورد اشتراک دارند می توانند پای سازماندهی توده ای کارگران، فی المثل در یک واحد تولیدی مشخص بروند و هر گروه شرکت کننده در شورای همکاری نباید مانع همکاری دو گروه با اشتراکات فوق بشود. بنابراین هر گروه شرکت کننده در اتحاد عمل شورای همکاری، می تواند با گروه دیگر بر سر مسئله ی مشخص پای اتحاد و عمل واحد برود، بدون این که در حوزه ی اختیارات گروه های دیگر باشد که از این همکاری جلوگیری کند. از این رو برای پیشبرد امر اتحاد عمل در این مورد باید آن چه به درستی یکی از نمایندگان تشکل ها پیشنهاد داد و راهی برای عبور از این مرحله را به ما نشان داد، سرلوحه ی فعالیت مشترک قرار داد: " ما باید یک اتحاد عمل سراسری داشته باشیم، اما در مورد مسائل مشخص، گروه هایی که نزدیکی های فکری بیشتری دارند می توانند با هم کار کنند و به فعالیت مشترک بپردازند".

آن چه امروز نزد ما نباید کم اهمیت تلقی شود، بها دادن به این اتحاد عمل به مثابه ی اتحادی در میان فعالین کارگری است که پس از ۲۵ سال تجربه ی مبارزاتی طبقه ی کارگر حاصل شده است. در اهمیت این اتحاد همین بس که خانه ی کارگر در اول ماه مه سال جاری مجبور شد مراسم روز کارگر را با نفراتی دست چین شده و گزینشی در ورزشگاه خیرالعمل در گوشه ای دور افتاده ای از شهر تهران در حفاظت کامل نیروهای امنیتی برگزار کند و این برای تشکیلاتی که بیش از هر زمان نیاز به مشروعیت در سطح بین المللی دارد یک شکست محسوب می شود. خانه ی کارگر پس از سال ها که پُر به خیابان آوردن کارگران را می داد و این را نشانه ای از مشروعیت خود می دانست، مجبور شد عطای نشان دادن پایگاه به اصطلاح کارگری اش را به لقایش بخشیده و نیروهای مورد خطاب خود را از تأثیر نیروهای مستقل کارگری مصون بدارد.

و سخن آخر این که، کسانی که از ابتدای تشکیل شورای همکاری، آنرا یکسره تخطئه کرده اند، نام فعال جنبش کارگری بر خود نهاده، اما تمام همّ خود را جهت متلاشی کردن این اتحاد به کار گرفته اند و از هیچ کوششی برای از بین بردن این اتحاد و ایجاد تفرقه در جنبش کارگری، فروگذار نمی کنند، باید بدانند این اتحاد تلاش حداقل بیست و پنج ساله ی فعالان کارگری را به عنوان پشتوانه خود دارد. شورای همکاری تبلور اراده و همبستگی فعالانی است که تمام تلاش خود را مصروف گسترش اتحاد در میان طبقه ی کارگر کرده اند. پاسخ من به عنوان یکی از افراد این مجموعه به چنین شیوه هایی این است: "این پیوند و اتحاد میان ما فعالان کارگری گسستنی نیست، آب در هاون نکوبید".

مریم محسنی

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری